

تصمیمات قضائی

۱ = حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۹۱۲}{۳۷/۱۰/۲۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

از شعبه اولی و پنجم دیوانعالی کشور در امر واحدی بشرح زیر : آقایان حاج غلامحسین و عباس بطرفیت آقای عبدالله دادخواست فرجامی بدیوانعالی کشور داده اند خلاصه آنکه آقای عماد بوکالت از عباس اعتراض به ثبت ملک فرجام خواه کرده و معترض در مدتی بیش از شصت روز دعوی را تعقیب نکرده سپس درخواست جریان کار را نموده است ضمناً رسیدگی دعوی میگردد دادگاه اعتراض معترض علیه را نپذیرفت و حکم ببطالان ثبت معترض علیه (مدعی علیه) میدهد از حکم صادر محکوم علیه پژوهش میخواهد دادگاه استان ۹ باستناد اینکه چون قبل از درخواست سقوط دعوی بخواهش معترض پرونده جریان جدا کرده است اشکالی در تصمیم دادگاه بدوی نبوده و باراد ایراد پژوهش خواه حکم پژوهش خواسته را استوار نموده از حکم مزبور دادخواست فرجامی تقدیم شعبه اول دیوانعالی کشور در جلسه مورخ ۲۵/۲/۵ با شرکت جناب آقای تقوی رئیس - آقای دکتر خوشبین مستشار - آقای ویشکائی - مستشاران و بیان عقیده آقای دکتر سمیعی دادیار از نظر اینکه در ماده ۱۸ قانون ثبت اسناد عدم تعقیب دعوی قبل از درخواست سقوط شرط نشده و همان عدم تعقیب دعوی در مدت زائد بر شصت روز کافی بصدور قرار سقوط میباشد حکم فرجام خواسته را شکسته و رسیدگی را بشعبه دیگر دادگاه استان ۹ واگذار نموده است.

آقای نصرالله بطرفیت آقای احمد دادخواست بدیوانعالی کشور داده و شعبه ه دیوانعالی کشور مراجعه میگردد خلاصه آنکه فرجام خواه به ثبت ملک فرجام خوانده اعتراض میکند دادگاه قرار معاینه محل با جلب نظر کارشناس صادر مینماید پس از انتخاب کارشناس مدتی زائد بر شصت روز پرونده بلا تعقیب نیماند سپس بدرخواست معترض پرونده تحت نظر قرار میگیرد و جریان یافته پس از جریان مدعی علیه درخواست صدور قرار سقوط دعوی نموده دادگاه ۱۸ شهرستان تهران تقاضا را پذیرفته بصدور قرار سقوط دعوی مبادرت از قرار مزبور استیناف خواسته دادگاه استان اعتراض را وارد ندیده قرار پژوهش خواسته را تأیید مینماید از آن قرار درخواست فرجامی بعمل آمده و شعبه ه دیوانعالی کشور مرکب از آقای صالح مستشار - آقای اخگر مستشار - آقای معصومخانی مستشار بملاحظه آنکه قبل از درخواست معترض علیه پرونده بخواهش معترض بجریان افتاده و دستمزد کارشناس تأدیه گردیده درخواست معترض علیه در اثر سقوط دعوی معترض بامفهوم ماده ۱۸ قانون ثبت منطبق نبوده قرار فرجامخواسته را شکسته است. « دو رأی

تصمیمات قضائی

متناقض صادر شده است (بدین توضیح شعبه اول دیوانعالی کشور صرف گذشتن مدت مقرر در قانون را کافی بانجام درخواست معترض علیه دانسته و شعبه ۵ دیوانعالی کشور معتقد است با انقضای مدت و تعقیب معترض و بجزریان افتادن کار طبق مفهوم ماده ۱۸ قانون ثبت درخواست معترض علیه پذیرفته نیست) .

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس دیوانعالی کشور باحضور جناب آقای جواد عامری دادستان کل و آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی معاون اول دادستان کل و آقایان رؤساء و مستشاران شعبه تشکیل است پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر تأیید رأی شعبه اول سابق بود مشاوره نموده با کثرت آراء بشرح زیر رأی میدهند.

مستنبط از ذیل ماده ۱۸ قانون ثبت که صدور قرار را مقید بتقاضای مستدعی ثبت نموده اینست که اگر قبل از تقاضای سقوط معترض درخواست تعقیب کرده باشد دیگر موجهی برای صدور قرار اسقاط دعوی نیست بنابراین نظر شعبه پنجم دیوان کشور صحیح است .

۲ = جزائی

حکم شماره $\frac{۲۶۱۰}{۱۳۳۷/۱۰/۲۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

حسن باتهام کلاهبرداری بمبلغ نه هزار ریال از حسین در سال ۱۳۳۱ در دادگاه جنحه مورد تعقیب واقع و شاکی قضیه هم دادخواست ضرر و زیان تقدیم داشته دادگاه جنحه بعد از رسیدگی غیابی باستناد شکایت شاکی و اظهارات بهرام و هرمز و حسن بزهکاری متهم را ثابت دانسته و با تطبیق جرم بماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی متهم را بششماه حبس تأدیبی و پرداخت یکهزار ریال بابت هزینه دادرسی و مبلغ نه هزار ریال بابت بهاء خواسته و یکصد و دوازده ریال بابت هزینه دادرسی مدعی خصوصی و هشتصد و ده ریال خسارت تأخیر تأدیه در وجه مدعی خصوصی محکوم نموده با واخواهی متهم از حکم غیابی دادگاه در رسیدگی مجدد حکم غیابی را تنفیذ نموده متهم از حکم پژوهش- خواسته شعبه ۱۱ دادگاه استان بانجام دادرسی ضمن احراز ارتکاب متهم بجرم دادنامه را از حیث میزان کیفر فسخ و طبق ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی و رعایت ماده ۴۵ همان قانون متهم را بسه ماه حبس تأدیبی محکوم و حکم بدوی را در قسمت های دیگر تأیید نموده محکوم علیه فرجام خواسته شعبه سوم دیوانکشور بشرح رأی ۳۵/۱۱/۱۱ خلاصه بعنوان اینکه شکایت شاکی که عبارت از این است متهم نه هزار ریال تفاوت قیمت زمین مورد معاوضه را گرفته بطرف نداده بانرض صحت شکایت کلاهبرداری از شاکی نمیباشد و طرف معامله شکایتی نکرده است و اسناد معامله هم رسمی و بقوت قانونی باقیست و مادامیکه از اثر قانونی نیفتاده کیفری بودن امر محل تأمل است و نیز در پرونده امر اظهار شده

تصمیمات قضائی

دعوا از لحاظ حقوقی در جریان دادرسی در دادگاه استان است حکم فرجام خواسته را مخدوش دانسته و بانقض آن رسیدگی را بشعبه دیگر دادگاه استان ارجاع نموده و بعداً شعبه دوم دادگاه استان باتهام رسیدگی و بعنوان اینکه حسن واسطه معامله زمین ملکی غیر را که مرغوب تر بوده تحت عنوان اینکه ملک حسین رجب است و بحسین ارائه و تکلیف کرده با ۱۸۰ متر زمین او مورد معاوضه قرار گیرد و مبلغ هشت هزار ریال علاوه بحسن سرانه پردازد و به حسن هم گفته باید در مقام معاوضه مبلغ چهار هزار ریال سرانه به حسین پردازد و بدون اینکه طرفین معامله بآن مواجه شوند سند تنظیم و معامله انجام میگیرد و متهم باج هشت هزار ریال از حسین و چهار هزار ریال از حسن گرفته و بفتح خود تصاحب نموده و عمل متهم از معرفی زمین دیگری بجای زمین مورد معامله متوسل بوسائل متقلبانه برای بردن مال غیر بوده است بز هکاری متهم را ثابت دانسته و باتطبیق جرم بماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی ضمن تأیید حکم بدوی از نظر وقوع جرم و ارتکاب متهم بآن با رعایت ماده ۴۵ قانون مزبور بفسخ حکم بدوی از نظر میزان کیفر متهم را بسه ماه حبس تأدیبی و پرداخت یک هزار ریال هزینه دادرسی نموده نیز حکم بدوی را در قسمت ضرر و زیان تأیید نموده حکم در محل اقامت متهم در تاریخ بیست و سوم مرداد ماه ۳۶ بیانو عشرت مادر متهم ابلاغ شد و متهم بشرح لایحه در ۲۷ همان ماه فرجام خواسته و اعتراضی نکرده است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست جناب آقای سروری رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی معاون اول دادستان کل کشور و آقایان رؤساء و مستشاران شعب تشکیل شده است پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده آقای معاون اول دادستان کل مبنی بر ابرام حکم فرجام خواسته مشاوره نموده چنین رأی میدهند.

از طرف حسن موقع فرجامخواهی ایراد و اعتراضی نشده است تامورد دقت نظر واقع شود و اعتراضات فرجامخواهی بشرح لایحه مورخ ۳۷/۷/۳۸ که بعد از تنظیم گزارش تقدیم نموده نتیجه دفاع ماهوی و خدشه براستنباط و تشخیص و نظر دادگاه است که در مرحله فرجامی مورد توجه و رسیدگی قرار نمیگیرد چون از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی و تشخیص بزه و تطبیق مورد با قانون و تعیین کیفر و محکومیت پرداخت ضرر و زیان شاکی خصوصی اشکال مؤثر موجب نقض در پرونده امر مشهود نیست دادنامه فرجام خواسته با کثرت آراء ابرام میشود.

۴ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۹۱۵}{۳۹/۹۰/۳۵}$ هیئت دیوانعالی کشور

آقای محمدعلی وکیل اداره تصفیه بانک صنعتی در تاریخ اردیبهشت ۲۹ دادخواستی بطرفیت آقای ابراهیم بدادگاه شهرستان تهران تقدیم نموده و توقیف عملیات

تصمیمات قضائی

اجرائی را نسبت بمبلغ ۲,۱۶۰,۹۵۵/۹۰ ریال تقاضی کرده است بدین توضیح که خوانده بموجب سند رسمی تنظیمی در دفترخانه شماره ۱۷ برگ اجرائیه بمبلغ دو میلیون و یکصد و شصت هزار و نهصد و پنجاه و پنج ریال و پنجاه دینار به خواهان صادر کرده و بمرحله اجرا درآمده و حال آنکه طبق شق یک از سند مزبور خوانده موظف بوده که صدی بیست از هزینه معدن ذرنیخ زره شوران را بپردازد و طبق شق پنج همان سند هم مشارالیه نمیتواند در محصول و میزان ذرنیخ استخراج شده مداخله نماید و با آنکه تاکنون بدهی خوانده پرداخت نشده و تصفیه حساب بعمل نیآمده تا میزان طلب تعیین گردد مع الوصف قبل از رسیدگی و استحقاق مشارالیه صرفاً باستناد دو برگ صورت مجلس و اظهار نامه که هیچ کدام مورد قبول بانک صنعتی نیست اجرائیه صادر کرده این است درخواست رسیدگی و توقیف عملیات اجرائی و رسیدگی را دارد مستند دعوی سند رسمی تنظیمی بین طرفین بوده که حاکمیت وزارت پیشه و هنر در قبال دعاوی آقای ابراهیم نسبت بمعدن ذرنیخ زره شوران صدی بیست از عین محصول معدن نامبرده را برای مدت دوازده سال ابتدا از اول فروردین ۱۳۱۹ آقای ابراهیم واگذار مینماید و آقای ابراهیم هم بهمین نسبت بایستی هزینه بهره برداری را بدهد و اینکه آقای ابراهیم هزینه سهمی خود را به اداره کل معادن از عین محصول سهمی مشارالیه هزینه مزبور را برداشت خواهد کرد و آقای ابراهیم تحت هیچ عنوان نمیتواند در کار معدن دخالت نماید و چنانچه دولت سهمی محصول مشارالیه نیازمند باشد آقای ابراهیم سهمی خود را بقیمت عادلانه بدولت واگذار مینماید و نیز مستند دعوی برگ اجرائیه صادر آزاد اوثبت تهران بوده است بالجمله دادگاه شهرستان در نتیجه رسیدگی خلاصه از نظر اینکه طبق صورت مجلس تنظیمی از طرف نمایندگان بانک صنعتی و گزارش اداره تصفیه بانک صنعتی طلب خواهان بابت سالهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و شش ماهه سال ۲۸ بمقداری مذکور در برگ اجرائیه بی اشکال بوده حکم برد دعوی خواهان و محکومیتش بمبلغی بابت خسارت حق الوکاله میدهد و بر اثر شکایت پژوهشی وکیل اداره تصفیه شعبه دادگاه استان مرکز خلاصه از نظر اینکه صدور برگ اجرائیه وقتی جایز است که طبق متن سند رسمی تنظیمی بین طرفین باشد و در این مورد مستند برگ اجرائیه اوراق دیگری غیر از سند رسمی تنظیمی بین طرفین بوده حکم دادگاه شهرستان را فسخ مینماید و رأی بطلان اجرائیه ثبتی میدهد و بر اثر شکایت فرجامی آقای ابراهیم شعبه ۳ دیوان کشور چنین رأی میدهد:

چون ادعای اداره تصفیه بانک صنعتی مبنی بر عدم استحقاق آقای ابراهیم از این جهت است که مشارالیه بدهی خود را طبق مواد مذکوره در سند پرداخته و تصفیه حساب بعمل نیآمده و میزان طلب او معین نشده است دادگاه بدون رسیدگی بمحاسبه و جهاتی که مدتی اظهار نمود و قبل از تشخیص بی حقی نسبت بتوجه موضوع اجرائیه حکم صادر کرده است و رسیدگی ناقص است و طبق ماده ۵۵۹ آئین دادرسی مدتی حکم فرجام خواسته شکسته میشود و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میگردد پس از آن شعبه شش دادگاه استان مرکز رسیدگی نمود و بشرح حکم ۶۱۲ حکم دادگاه شهرستان را بر رد دعوی بانک صنعتی استوار مینماید پژوهش خواه را بتأدیه مبلغی بابت

تصمیمات قضائی

خسارت محکوم مینماید اداره تصفیه بانک شکایت فرجامی مینماید و شعبه ۳ دیوان کشور حکم دادگاه استان را نسبت بحساب سال ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ استوار نموده لیکن راجع بحساب ششماهه ۲۸ خلاصه از نظر اینکه جمع یک از اوراق مورد استفاده دادگاه حکایت از تعیین مبلغ مذکور در برگ اجرائیه و تعهد بانک صنعتی و سایر مقامات مربوطه پرداخت آن ندارد حکم فرجام خواسته را در این قسمت نقض و ختم امر را بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع نموده است پس از آن شعبه دادگاه استان رسیدگی نموده و چنین رأی داده است :

(در مرحله بدوی از طرف اداره تصفیه امور بانک صنعتی اعتراض شده بوده که در متن سند رسمی میزان طلب آقای ابراهیم معلوم نشده و طبق شق یک پیمان آقای ابراهیم موظف بوده صدی بیست از کلیه هزینه را بپردازد و چون مخارج را نپرداخته و تصفیه حسابی بعمل نیامده است از این جهت میزان طلب مشخص نیست لکن در آن مرحله دادگاه بدون ایراد توجهی نکرده و چنین استدلال کرده است که چون طبق صورت مجلس های موجود که بامضای مقامهای صلاحیت دار رسیده مقادیر طلب در سه سال ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و در شش ماهه سال ۲۸ معلوم گردیده این قبیل صورت مجلس ها بر طبق ماده ۱۳۸۷ قانون مدنی در عداد اسناد رسمی بوده و معتبر شناخته میشود و در نظر این دادگاه استدلال دادگاه بدوی در این قسمت است استدلال مجمع نیست چنانکه مغرضانه صورت مجلس مبنی بامضای مقامات صلاحیت دار در عداد اسناد رسمی باشد معذالک صدور اجرائیه موقعی جایز است که مدلول سند رسمی قطعاً حاکی از میزان طلب آقای ابراهیم و دین بانک صنعتی باشد و حال آنکه در متن سند رسمی که مستند صدور اجرائیه میباشد بهیچ وجه بانک صنعتی تعهد پرداخته باشد معین ننموده و صورت مجلس های موجود هم بوضعی نیست که مدلول آن قابل صدور اجرائیه باشد و از این جهت همانگونه در شعبه دادگاه استان مرکز در نتیجه رسیدگی پژوهش اظهار نظر شده باین دادگاه صدور اجرائیه را بوضع فعلی قانونی نمیداند لیکن چون فعلاً نسبت به سه سال ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ که قسمت عمده دعوی مربوط یا نسبت حکم صادر از شعبه ۶ در دیوان کشور استوار شده است و نسبت بصدور اجرائیه اعلام گردیده و دادگاه بدوی این قسمت از دعوی تکلیفی برای اظهار نظر ندارد و از این جهت در مورد صورت حساب ششماهه سال ۲۸ مبلغ آن معین است حکم صادر از شعبه باشد دادگاه شهرستان تهران را قطع میکند و بشرحی که فوقاً استدلال شده حکم بابطال اجرائیه نیست بعضی که مربوطه بشش ماهه سال مورد باشد صادره اقلام مینماید و چون در شعبه شش دادگاه استان مرکز موضوع خسارت حق الوکاله منظور شده و در دیوان کشور هم حکم قطعی استوار شده و ظاهراً این است که موضوع حق الوکاله نیز بنسبت مبلغی که مربوط بمستشار باشد استوار گردیده باشد علیهذا در این مرحله دیگر نسبت بخسارت حق الوکاله اظهار نظر نموده و در این حکم مورد فرجام خواهی آقای ابراهیم واقع و خلاصه اعتراض و این است که شعبه دیوان کشور حکم شعبه دادگاه استان را که بهمین استدلال صادر شده بوده است نقض گردد دیگر شعبه ۱۰ دادگاه استان نمیتوانستند بهمان استدلال رأی بدهد و طبق ماده ۵۷۱ لایحه اصلاحی دادگاه استان میانستی در حدودی که مورد نظر دیوان

تصمیمات قضائی

کشور مورد رسیدگی نماید و طبق دلائل تقدیمی از استحقاق مشارالیه را نسبت بمبلغ مذکور در اجرائیه معین کند و از رسیدگی بدلائل که باستحقاق دلالت داشت شانه خالی کرده و علاوه کرده که اداره معادن مخارج را که در سهم او بوده از سهمی او از محصول برداشت کرده و در این زمینه تقاضی کرده بدلائل بانک و معادن رسیدگی شود تا معلوم شود میزان طلب او در دفاتر معین گردیده و باین تقاضی توجه نموده است شعبه سه دیوان کشور در ۳۴/۲/۸ چنین رأی داده است. چون دادگاه استان از نظر اینکه در متن سند رسمی که مستند صدور برگ اجرائیه بوده تعهدی از طرف بانک صنعتی پرداخت وجه بفع ابراهیم نشده است و صورت مجلس‌های موجود هم بوضعی نیست که مدلول آن قابل اجرا و مستلزم صدور اجرائیه باشد حکم فرجام‌خواسته را صادر کرده است در حالی که اظهار بانک مبنی بر عدم استحقاق فرجام خوانده در مطالب وجه مذکور در برگ اجرائیه از این جهت بوده که مشارالیه صدی بیست از کلیه هزینه سهمی خود را تا کنون نداده تا طلب وی مشخص باشد و با اینکه فرجام خواه در مراحل ماهوی اظهار نموده است که طبق مواد قرارداد بانک صنعتی میتوانسته مخارج او را از عین محصول سهمی وی برداشت نماید بعلاوه در صورت احتیاج بانک بتمام محصول سهمی فرجام خواه میتوانسته قیمت آنرا بدهد و بهمین نحو هم عمل کرده و دفاتر بانک دلالت بر امور مذکوره دارد اقتضا داشته دادگاه برای روشن شدن موضوع باین امور رسیدگی نموده و سپس مبادرت بصدور حکم نماید و باین جهات حکم فرجام خواسته را شکسته است که رسیدگی مجدد بشعبه ۱۲ دادگاه استان محول و دادگاه در پایان جلسه ۳۵/۲/۲۹ قرار ابراز دفاتر بانک را صادر کرده و چون بنا باظهار وکیل اداره تصفیه بانک تحویل اداره اکتشافات و بهره برداری است داده شده بوده است دادگاه در خاتمه جلسه ۳۵/۴/۵ دستور داده است دفاتر مربوط از آنجا مطالبه شود و در این جلسه وکیل تصفیه اوراقی بعنوان اینکه مربوط بقرارداد استخراج از دفاتر است و اظهار کرده است در صورتیکه مندرجات آنها مورد قبول آقای ابراهیم نباشد رسیدگی بکارشناس محول گردد و دادگاه هم مقرر داشته کارشناس صورت‌های تقدیمی وکیل تصفیه را با مندرجات دفاتر تطبیق و نسبت باستحقاق آقای ابراهیم در مطالبه سهمی شش ماهه اول سال ۲۸ و پرداخت سهمی او از هزینه استخراج و نظر فنی خود را اعلام دارد اجرای قرار مزبور در حدود مقررات آقای شایان محول و مشارالیه نتیجه محاسبه را در تاریخ ۳۵/۹/۱۹ بدادگاه تسلیم و بهمان تاریخ وکیل بنگاه تصفیه شرحی بدادگاه نوشته مبنی بر اینکه کارشناس بیبانه اینکه دستمزد بودیعی در صندوق متناسب نیست دادگاه مزبور حاضر بر رسیدگی و ملاحظه اسناد و مدارک و دفاتر موجود نیست و اگر با این حال از طرف کارشناس نظری ابراز شود چون تحت نظر مدیر دفتر بوده است اعتبار قانونی نخواهد داشت دادگاه در جلسه فوق‌العاده ۳۵/۱۰/۶ از بابت اینکه احتیاجی بتوضیح نیست بدون دعوت طرفین با ملاحظه اوراق پرونده با اعلام ختم رسیدگی با صدور رأی بشرح زیر صادر کرده است :

(عمده اعتراض وکیل پژوهش خواه را بر دادنامه پژوهش خواسته این است که اسنادی که قابل اجرا است که سند رسمی بوده و مفاد آن کاملاً روشن و حقوق طرفین

تصمیمات قضائی

بطور مشخص معلوم باشد و چون مستند اجرائیه صادره صورت مجلس و اوراق غیر رسمی بوده که مورد تصدیق و تأیید موکل نیست بنابراین صدور اجرائیه برخلاف قانون میباشد بنظر دادگاه اعتراض مزبور وارد است زیرا ماده ۹۲ قانون ثبت که موجب آن مدلول کلیه اسناد رسمی راجع بدیون و اموال منقول را بدون احتیاج حکم از دادگاه‌های دادگستری لازم الاجراء دانسته است ناظر باسنادی است که میزان و مبلغ دین در سند رسمی رسماً معلوم و مشخص باشد و مستندی که منتهی بصدور اجرائیه و رد دعوی شده است از مصادیق اسنادی که بدون رسیدگی دادگاه‌های دادگستری لازم الاجراء باشد نیست چنانکه بموجب سند تنظیمی بین وزارت پیشه و هنر آقای ابراهیم و قائم مقام مهراب در قبال دعاوی خیرالذکر نسبت بکان زرنیخ زره شوران افشار صدی بیست از عین محصول استخراج شده کان نامبرده برای مدت ۱۲ سال خورشیدی از اول فروردین ماه ۳۱۹ لغایت آخر اسفند ماه ۳۲۰ با آقای ابراهیم واگذار و نامبرده هم قبول نموده است که بهمین نسبت هزینه بهره برداری کان را پرداخت نماید و با مفاد این سند که نه میزان حق آقای ابراهیم و نه مبلغ آن مشخص و معلوم است و محتاج برسیدگی قضائی است نمیتوان باستناد اوراق مندرج در رونوشت اجرائیه را و بدون رسیدگی و صدور حکم از محاکم دادگستری مبادرت بصدور اجرائیه نموده مجالی برای رسیدگی بصورت حساب طرفین و ترتیب اش بنظر کارشناس نیست و دادنامه پژوهش خواسته در قسمت حساب شش ماهه سال ۲۸ فسخ و حکم بیطلان اجرائیه در قسمت مزبور داده میشود پژوهش خواننده محکوم است که مبلغ ۶۲۰,۰۰۰ ریال بابت حق الوکاله وکیل در مراحل بدوی پژوهشی در وجه پژوهش خواه تأدیه نماید (این حکم بشرح بالامورد شکایت فرجامی واقع گردیده است و خلاصه اعتراض آقای ابراهیم این است که اولاً اوراق مستند برگ اجرائیه از اسناد رسمی و مکمل قرارداد و صدور اجرائیه طبق تصدیق اداره و فرجام خواننده که مورد اعتراض او نبوده است صادر شده مضافاً که تصفیه بانک در دادخواست خود ابطال اجرائیه و رسیدگی بحساب و اخواسته و در دیوان کشور در دو نوبت تحت صدور اجرائیه را تأیید کرده است در صورتیکه نسبت بصحت صدور اجرائیه شورای عالی ثبت و هیئت محل اختلاف که رسیدگی بعمل آمده بوده است و راجع برسیدگی بحساب هم بین او و بنگاه اختلافی نبوده و مشارالیه نسبت بصورت حساب بنگاه اعتراضی نداشته و بان از باب اینکه شخص ضعیفی بوده تسلیم بوده است و لزوم بحسابه بر حسب دستور دیوان کشور بوده است و دادگاه از رسیدگی بحساب شانه خالی مینماید در صورتیکه طبق ماده ۷۱ آئین دادرسی مدنی حق نداشت خارج از موضوعی که دیوان کشور رسیدگی بان را لازم دانسته است اقدام نماید و علاوه کرده که اجرائیه در سال ۲۸ اجرا شده و بانک صنعتی وجه اجرائیه را بمشارالیه پرداخته و معلوم نیست در صورت ابرام حکم برای چه موضوعی باید دادخواست بدهد و رونوشت اوراق و صورت حسابی هم پیوست نموده است و وکیل فرجام خواننده هم پاسخ داده است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور جناب آقای جواد عامری دادستان کل و آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی معاون اول دادستان کل و آقایان رؤساء و مستشاران تشکیل است پس از قرائت

گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مدافعه و مواد مربوط و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر ابرام حکم فرجام خواسته بود شاوره نموده و با کثرت آراء بشرح زیر رأی میدهند.

اعتراض وارد نیست زیرا صدور اجرائیه موقعی صحیح است که مدلول سند ثبت شده در دفتر اسناد رسمی صریح و بدون احتیاج برسدگی دیگری قابل اجراء باشد و چون از حیث رعایت اصول دادرسی هم اشکالی تلقی حکم فرجام خواهنده را ایجاب نشد بنظر نمیرسد بناء علیه حکم مذکور با کثرت آراء ابرام میشود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی